



فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Journal of Jurisprudence and Modern Law

Home Page: www.jaml.ir



سال انتشار	۱۴۰۵	شماره انتشار	۲۷	دوره انتشار	۸	صفحات	۱-۱۹
------------	------	--------------	----	-------------	---	-------	------

هوش مصنوعی و تربیت دینی: چالش‌ها و راهکارهای فقهی در عصر فناوری

خانم حمیده ادیب و آقای ناصر نیکخوا امیری

دانشجوی دکترا جامعه المصطفی، گلستان، گرگان، مدرسه عالی خاوران

استادیار جامعه المصطفی العالمية - نمایندگی گلستان، ایران،

چکیده

با گسترش استفاده از هوش مصنوعی در حوزه تربیت دینی، پرسش‌هایی اساسی درباره حفظ اصالت آموزه‌های دینی، نقش مربی انسانی و کیفیت فرایند یادگیری مطرح شده. اهمیت این مسئله از آن جهت بود که ورود فناوری به آموزش دینی، در کنار ایجاد فرصت‌هایی برای تسهیل و شخصی‌سازی یادگیری، می‌توانست زمینه‌ساز چالش‌هایی همچون سوگیری الگوریتمی، سطحی‌سازی مفاهیم دینی و کاهش تعامل انسانی شود. پژوهش حاضر با هدف شناسایی ابعاد فقهی، اخلاقی و تربیتی استفاده از هوش مصنوعی در آموزش دینی و ارائه راهکارهایی برای بهره‌گیری مسئولانه و متناسب با آموزه‌های اسلامی بوده که با روش توصیفی-تحلیلی و منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی انجام شده است. در این تحقیق به مفاهیم همچون (تعریف از هوش مصنوعی، قابلیت‌های هوش مصنوعی، تعریف تربیت دینی، فقه فناوری، جایگاه ابزار در تربیت دینی، چالش‌های فقهی هوش مصنوعی، چالش‌های اخلاقی-تربیتی، راهکارهای فقهی...) پرداخته شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که هوش مصنوعی، در صورتی که در جایگاه ابزاری و تحت نظارت مربی انسانی به کار گرفته شود، می‌توانست فرایند یادگیری دینی را تقویت کرده و تعامل میان مربی و متربی را بهبود بخشد؛ اما واگذاری نقش تربیتی به الگوریتم‌ها بدون نظارت انسانی، منجر به بروز سوگیری‌های اخلاقی و کاهش مهارت‌های تفکر انتقادی شده بود. بر این اساس، نتایج پژوهش بر ضرورت حفظ محوریت مربی انسانی، طراحی دقیق محتوای دینی و التزام به چارچوب‌های فقهی و اخلاقی در استفاده از هوش مصنوعی تأکید کرده است.

واژگان کلیدی: هوش مصنوعی، تربیت دینی، چالش‌های فقهی، راهکارهای فقهی، فقه فناوری

طبقه‌بندی: JEL فقه - حقوق - جزا و جرم‌شناسی - حقوق بین‌الملل - حقوق خصوصی



Artificial Intelligence and Religious Education: Jurisprudential Challenges and Solutions in the Age of Technology

Abstract

With the expansion of the use of artificial intelligence in the field of religious education, fundamental questions have been raised regarding the preservation of the authenticity of religious teachings, the role of the human educator, and the quality of the learning process. The importance of this issue lay in the fact that the introduction of technology into religious education, alongside creating opportunities for facilitating and personalizing learning, could also give rise to challenges such as algorithmic bias, superficialization of religious concepts, and a reduction in human interaction. the present study aimed to identify the jurisprudential, ethical, and educational dimensions of using artificial intelligence in religious education and to propose solutions for its responsible application in accordance with Islamic teachings. This research was conducted using a descriptive–analytical method and relied on library-based and internet sources. In this study, concepts such as the definition of artificial intelligence, capabilities of artificial intelligence, the concept of education, religious education, jurisprudence of technology, the place of tools in religious education, jurisprudential challenges of artificial intelligence, ethical–educational challenges, and jurisprudential solutions were examined. the findings of the research indicated that artificial intelligence, when employed as an instrumental tool under the supervision of a human educator, could enhance the process of religious learning and improve interaction between the educator and the learner. However, assigning an educational role to algorithms without human supervision led to ethical biases and a decline in critical thinking skills. Accordingly, the results of the study emphasized the necessity of preserving the central role of the human educator, the careful design of religious content, and adherence to jurisprudential and ethical frameworks in the use of artificial intelligence.

Keywords: Artificial Intelligence; Religious Education; Jurisprudential Challenges; Jurisprudential Solutions; Jurisprudence of Technology



متن مقاله

می‌کوشد با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با بررسی منابع معتبر فقهی، تربیتی و مطالعات فناوری، به دو هدف اصلی دست یابد: اول، شناسایی و بررسی چالش‌های شرعی هوش مصنوعی در سه حوزه محتوایی، اخلاقی-تربیتی و فقهی-حقوقی؛ و دوم، ارائه راهکارهای عملی بر اساس موازین شرعی برای استفاده صحیح و کاهش خطرات. در این مسیر، این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش اساسی است که چه چالش‌ها و راهکارهای شرعی برای استفاده از هوش مصنوعی در تربیت دینی وجود دارد؟

۲- پیشینه تحقیق

۱-۲ در سال ۱۴۰۴، سلحشور، توکلی و حیدری مقاله‌ای با عنوان «چالش‌های فقهی بهره‌مندی از هوش مصنوعی در راستای حمایت از حقوق بنیادین افراد» منتشر کردند. هدف اصلی این پژوهش بررسی چالش‌های فقهی و حقوقی بهره‌گیری از هوش مصنوعی و سنجش امکان همسویی آن با اصول فقه اسلامی و حقوق بنیادین افراد بود. این مطالعه با روش توصیفی-تحلیلی انجام شد و نشان داد که استفاده بی‌ضابطه از هوش مصنوعی می‌تواند تهدیداتی برای حقوق بنیادین ایجاد کند و پاسخ‌های فقهی روشن و مستقیمی در این زمینه هنوز وجود ندارد. با این حال، با بهره‌گیری از پویایی فقه اسلامی و قواعد عام فقهی، امکان ارائه چارچوبی شرعی برای بهره‌برداری صحیح از این فناوری فراهم است. یافته‌ها همچنین تأکید می‌کنند که هدایت هوشمندانه و ضابطه‌مند هوش مصنوعی می‌تواند نقش مؤثری در تقویت حقوق بشر اسلامی و عرفی، ارتقای حقوق شهروندی و تحکیم صلح بین‌المللی ایفا کند.

۲-۲ در پژوهشی با عنوان «کالبد شکافی رویکرد دینی در مواجهه با شبکه چالش‌های امنیتی هوش مصنوعی» که در سال ۱۴۰۳ توسط مرادزاده، فیروزی و مکانی انجام شد، به بررسی رویکرد دینی نسبت به پیامدهای

در دنیای امروز، فناوری با سرعتی شگفت‌انگیز در حال دگرگون کردن جنبه‌های مختلف زندگی ماست. هوش مصنوعی به عنوان یکی از پیشرفته‌ترین دستاوردهای بشر، آرام آرام در حال پیدا کردن جای خود در نظام آموزشی و پرورشی است. اما وقتی صحبت از "تربیت دینی" به میان می‌آید - که هدف آن پرورش انسان‌های معتقد و خوش‌اخلاق است - پرسش‌های اساسی زیادی مطرح می‌شود. ورود هوش مصنوعی به دنیای تربیت دینی، چالش‌های جدی را در سه زمینه محتوا، اخلاق و مسائل شرعی به وجود آورده است. از یک طرف، ممکن است این سیستم‌های کامپیوتری تفسیرهای نادرستی از مفاهیم دینی ارائه دهند، خطا کنند یا حتی باعث تحریف مفاهیم اصیل اسلامی شوند. از طرف دیگر، نگرانی‌هایی مانند جایگزین شدن تدریجی معلمان انسانی، تضعیف روحیه جمعی در فرآیند تربیت، و نقض حریم خصوصی دانش‌آموزان نیز وجود دارد. (عدل پور، ۱۴۰۴) در جامعه مذهبی تربیت دینی نقش اساسی در شکل‌دهی به هویت فردی و اجتماعی افراد دارد. هر پدیده جدیدی که وارد این حوزه حساس شود، به دلیل تأثیر مستقیم بر باورها، ارزش‌ها و رفتارهای نسل آینده، از اهمیت بالایی برخوردار است. به همین دلیل، بررسی این موضوع برای نظام آموزشی، نهادهای دینی و خانواده‌ها امری ضروری به شمار می‌رود. از آنجایی که فناوری هوش مصنوعی یک ابزار کاملاً خنثی نیست و ممکن است فرهنگ، ارزش‌ها و حتی تعصبات سازندگان خود را به همراه داشته باشد، بررسی شرعی این پدیده برای پیشگیری از آسیب‌های احتمالی ضروری است. فقه پویای اسلامی که مسئولیت پاسخگویی به مسائل جدید را بر عهده دارد، باید با تکیه بر اصول اساسی خود، چهارچوبی شرعی برای استفاده درست از این فناوری در حساس‌ترین عرصه، یعنی "تربیت دینی"، ارائه دهد. (عزیز زاده و همکاران، ۱۴۰۴) این پژوهش



مدنی در عصر فناوری» که در سال ۱۴۰۳ توسط احمدی و عباس‌پور انجام شد، به بررسی چالش‌های فقهی و حقوقی مسئولیت مدنی ناشی از خسارات هوش مصنوعی پرداخته شد. هدف این مطالعه ارائه چارچوبی برای تعیین مسئولیت در شرایطی بود که هوش مصنوعی به عنوان مسبب یا عامل خسارت شناخته می‌شود. پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با مطالعه منابع فقهی شامل قرآن، سنت، اجماع و عقل و همچنین منابع حقوقی، دیدگاه‌های مختلف درباره مسئولیت مدنی را تحلیل کرد. یافته‌ها نشان می‌دهد که هوش مصنوعی نمی‌تواند به عنوان یک شخص حقوقی مستقل محسوب شود و مسئولیت نهایی باید به اشخاص حقیقی یا حقوقی مرتبط با طراحی، تولید و بهره‌برداری از آن منتسب گردد. همچنین پژوهش تأکید می‌کند که فقه اسلامی با ظرفیت‌های خود می‌تواند با ارائه راهکارهای مناسب، توسعه مسئولانه و اخلاقی هوش مصنوعی را تسهیل کرده و حقوق افراد را در برابر خسارات احتمالی ناشی از آن صیانت کند.

۲-۵- مطهری‌کیا و همکاران (۱۴۰۳) در پژوهشی با عنوان «نقش هوش مصنوعی در تعلیم و تربیت» با هدف بررسی تأثیر قابلیت‌های هوش مصنوعی بر فرآیند آموزش و یادگیری، به این پرسش پرداختند که این فناوری چگونه می‌تواند تجربه آموزشی را به صورت فردی‌سازی شده بهبود بخشد. روش پژوهش مروری-کتابخانه‌ای بوده است. یافته‌های مطالعه نشان می‌دهد که هوش مصنوعی قادر است محتوای هوشمند و سازگار با نیازهای یادگیرندگان تولید کند، وظایف اداری مانند نمره‌دهی را خودکار سازد و به معلمان فرصت دهد بر ابعاد مهم‌تر تدریس تمرکز کنند. همچنین این فناوری امکان دسترسی معلمان به مثال‌های کاربردی در موضوعات مختلف را فراهم کرده و موجب ارتقای کیفیت یادگیری دانش‌آموزان می‌شود.

۳- مبانی نظری

مثبت و منفی هوش مصنوعی پرداخته شد. هدف این مطالعه تحلیل و تبیین دیدگاه فقهی در مواجهه با چالش‌های امنیتی ناشی از بهره‌گیری از این فناوری و بررسی ظرفیت آموزه‌های دینی برای هدایت صحیح آن بود. پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفت و یافته‌ها نشان می‌دهد که فقه به عنوان راهنمای اخلاقی و شرعی می‌تواند تحولی مؤثر در قوانین و مقررات بین‌المللی مربوط به هوش مصنوعی، رعایت اخلاق حرفه‌ای کاربران و به ویژه پیشگیری از تهدیدات امنیتی و حفظ صلح عمومی ایجاد کند. این پژوهش بر توانمندی فقه اسلامی در ارائه چارچوب‌های اخلاقی و شرعی برای بهره‌برداری مسئولانه از فناوری‌های پیشرفته تأکید دارد.

۲-۳ در پژوهشی با عنوان «چالش‌های هوش مصنوعی و مبانی مسئولیت مدنی آن در فقه» که در سال ۱۴۰۳ توسط حسینی، واحد باریجان و یزدانی انجام شد، به بررسی تحولات هوش مصنوعی و تبیین چارچوب مسئولیت مدنی آن از منظر فقه اسلامی پرداخته شد. هدف این مطالعه ارائه راهکارهای حقوقی و فقهی مناسب برای کنترل، هدایت و مقابله با خطرات توسعه هوش مصنوعی و تعیین جایگاه قانونی و شرعی این فناوری در نظم حقوقی آینده بود. پژوهشگران در این مطالعه با استفاده از منابع فقهی و حقوق مدنی و بهره‌گیری از مقالات و کتب مرتبط با حقوق هوش مصنوعی، تحولات هوش مصنوعی را در چارچوب علم حقوق اسلامی تحلیل کردند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اعطای شخصیت حقوقی به هوش مصنوعی ممکن و ضروری است، توسعه هوش مصنوعی از منظر فقهی تا حدی که موجب نقض حریم شخصی و تسلط دیگران بر مسلمانان نشود، جایز و حتی ثانوی واجب است و در صورت ارتکاب جرم توسط هوش مصنوعی، مسئولیت و مجازات آن می‌تواند حسب مورد به مباشرت یا تسبیب اعمال شود.

۲-۴ در پژوهشی با عنوان «هوش مصنوعی و فقه اسلامی: مسیر مسئولیت



۳-۱ مفهوم‌شناسی

۳-۱-۱ هوش مصنوعی: هوش مصنوعی، در ساده‌ترین تعریف، به توانایی رایانه و سایر ابزارهای پردازشی گفته می‌شود که همچون یک موجود هوشمند (مانند انسان) قادر است یاد بگیرد و مسئله حل کند. به عبارت دیگر، هوش مصنوعی توانایی فعال شده توسط یک کامپیوتر دیجیتال یا ماشینی با نرم‌افزار کنترل شده است که ویژگی‌های فکری مشابه موجودات هوشمند انسانی را در عملکرد خود تکرار می‌کند. عمده محققان و کتاب‌های درسی، هوش مصنوعی را به عنوان طراحی و توسعه یک موجود کاملاً آگاهانه، هوشمند و مبتنی بر رایانه تعریف می‌کنند که مزایای ذاتی نسبت به انسان در درک محیط و به حداکثر رساندن موفقیت در کارهای پیچیده دارد.

جان مک‌کارتی [۱]، که این اصطلاح را در سال ۱۹۵۵ ابداع کرد، هوش مصنوعی را علمی تعریف می‌کند که به مهندسی و ساخت ماشین‌های هوشمند می‌پردازد. بنابراین، غلبه بر شکنندگی سیستم‌های هوش مصنوعی فعلی و رسیدن به هوش مصنوعی در سطح انسانی نیازمند برنامه‌هایی است که با وضعیت اطلاعاتی عقل سلیم سروکار دارند. (نجف‌زاده [۲]، ۲۰۲۴) با این مفهوم، می‌توان مصداق و کاربرد هوش مصنوعی را در چشم‌اندازی چندرشته‌ای تفسیر کرد که از زمان معرفی رایانه‌های دستی در دهه ۱۹۵۰، توسعه و پراکندگی وسیعی یافته است. البته، آنچه در این مجال باید مورد توجه قرار گیرد، ارتباط هوش مصنوعی با فناوری‌های ارتباطی در راستای صلح و امنیت جهانی است. بنابراین، از میان کاربردهای گسترده این حوزه، مبنای ارتباطات و دامنه آن در مسیر صلح و امنیت اهمیت ویژه‌ای دارد. به هر حال، با این دیدگاه، شاید نزدیک‌ترین کاربرد هوش مصنوعی در این حوزه، مفهوم «اکوسیستم هوش مصنوعی» باشد. در اکوسیستم هوش مصنوعی، قدرت فناوری به عنوان

لایه‌ای از قدرت بین‌المللی، از سایر لایه‌های قدرت تغذیه می‌کند. به عبارت دیگر، ساختار سیستم بین‌المللی در آینده به برقراری توازن بین ابعاد مختلف قدرت بین‌المللی بستگی دارد. بر اساس این دیدگاه، تعامل بین تحقیق، دانش، نوآوری و فناوری که همگی جایگاه‌های کاربردی هوش مصنوعی هستند، چشم‌انداز جدیدی در بهره‌وری و رقابت ایجاد می‌کند و مفهوم مناطق مرکزی در مدل پیرامون-مرکز روابط بین‌الملل می‌تواند دستخوش تغییر شود. (سلحشور و همکاران، ۱۴۰۲)

۳-۱-۲ قابلیت‌های کلیدی AI

دسته‌بندی بر اساس قابلیت‌ها

در این رویکرد، طبقه‌بندی هوش مصنوعی بر پایه مکانیسم‌ها، الگوریتم‌ها و شیوه عملکرد آن انجام می‌شود. هر دسته از این سیستم‌ها توانایی ویژه‌ای در تحلیل داده، حل مسئله و پردازش اطلاعات دارد.

سیستم‌های خبره Expert systems

سیستم‌های خبره نوعی برنامه رایانه‌ای هستند که تلاش می‌کنند الگوی تصمیم‌گیری یک متخصص انسانی را در یک حوزه خاص بازتولید کنند. این سیستم‌ها بر دو عنصر کلیدی تکیه دارند:

پایگاه دانش که از قواعد و اطلاعات استخراج شده از متخصصان تشکیل می‌شود. موتور استنتاج که با ترکیب این دانش و داده‌های ورودی، توصیه‌ها و راه‌حل‌ها را ارائه می‌دهد. کاربردهای مهم سیستم‌های خبره شامل تشخیص بیماری، عیب‌یابی تجهیزات و برنامه‌ریزی تولید است.

شبکه‌های عصبی Neural networks

شبکه‌های عصبی مدلی الهام‌گرفته از ساختار مغز انسان هستند و از مجموعه‌ای از نورون‌ها تشکیل می‌شوند که در لایه‌های مختلف به هم متصل‌اند. هر ارتباط وزنی دارد که اهمیت آن را تعیین می‌کند. این



دسته‌بندی بر اساس کاربردها

در این طبقه‌بندی، هوش مصنوعی بر اساس زمینه‌های استفاده و کارکردهای عملی تقسیم‌بندی می‌شود. این رویکرد نشان‌دهنده تنوع و گستردگی نقش هوش مصنوعی در بخش‌های مختلف است.

بهداشت و درمان Healthcare

هوش مصنوعی در حوزه سلامت کارکردهای مهمی دارد؛ از جمله تشخیص بیماری‌ها مانند سرطان و بیماری‌های قلبی، دارو مدیریت بیماران از طریق ربات‌های پرستار و سیستم‌های پایش از راه دور، تحلیل تصاویر پزشکی و طراحی داروهای جدید. (احمدی و عباس پور ایکدر: ۱۴۰۴)

بخش مالی (FinTech)

در صنعت مالی، هوش مصنوعی برای معاملات خودکار، تحلیل ریسک، تشخیص تقلب، ارزیابی اعتبار مشتریان و ارائه مشاوره مالی شخصی‌سازی شده به کار می‌رود.

آموزش Education

هوش مصنوعی در آموزش نقش مهمی ایفا می‌کند: آموزش شخصی‌سازی شده، ارزیابی خودکار تکالیف و آزمون‌ها، ایجاد دستیارهای هوشمند آموزشی و توسعه پلتفرم‌های یادگیری تطبیقی از مهم‌ترین کاربردهای آن هستند.

تولید Manufacturing

در بخش تولید، این فناوری برای اتوماسیون خطوط تولید، کنترل کیفیت، پیش‌بینی خرابی تجهیزات، بهینه‌سازی فرآیندها و کاهش هزینه‌ها کاربرد دارد.

حمل‌ونقل Transportation

در حوزه حمل‌ونقل، هوش مصنوعی در خودروهای خودران، بهینه‌سازی

شبکه‌ها با یادگیری از طریق تنظیم وزن‌ها قادرند الگوهای پیچیده را شناسایی و پیش‌بینی‌های دقیق ارائه کنند. کاربردهای رایج آن شامل تشخیص تصویر، پردازش زبان طبیعی، تحلیل سری‌های زمانی و کنترل سیستم‌ها است (رازق پور، ۲۰۲۴[۳]).

پردازش زبان طبیعی (NLP)

پردازش زبان طبیعی شاخه‌ای از هوش مصنوعی است که امکان درک، تحلیل و تولید زبان انسانی را برای سیستم‌ها فراهم می‌کند. این حوزه از تکنیک‌های مختلفی برای تحلیل ساختار زبان، استخراج معنا، تولید متن، ترجمه و خلاصه‌سازی استفاده می‌کند. نمونه‌های کاربردی آن شامل چت‌بات‌ها، ترجمه ماشینی، تحلیل احساسات و سیستم‌های خلاصه‌ساز متن است.

بینایی ماشین (CV)

حوزه‌ای دیگر از هوش مصنوعی است که بر توانایی سیستم برای دیدن، تشخیص و تحلیل تصاویر و ویدئوها تمرکز دارد. این فناوری با استفاده از الگوریتم‌های تشخیص شیء، شناسایی چهره، تحلیل صحنه و ردیابی حرکت، اطلاعات بصری محیط را تفسیر می‌کند. از مهم‌ترین کاربردهای آن می‌توان به خودروهای خودران، تشخیص پزشکی، کنترل کیفیت در تولید و سیستم‌های نظارت تصویری اشاره کرد.

رباتیک Robotics

یک حوزه میان‌رشته‌ای است که طراحی، ساخت و بهره‌برداری از ربات‌های هوشمند را شامل می‌شود. ربات‌ها با تکیه بر حسگرها و الگوریتم‌های هوش مصنوعی قادرند با محیط تعامل کنند، تصمیم بگیرند و عمل انجام دهند. این فناوری امروزه در اتوماسیون صنعتی، جراحی رباتیک، اکتشافات فضایی و ربات‌های خدماتی کاربرد گسترده دارد (منتظری و شکران، ۲۰۲۴[۴]).



آموزه‌ها متعدد و پایبند شود (داوودی، ۱۳۸۶). ماهرزاده (۱۳۹۲) نیز بر این باور است که تربیت دینی فرایندی است که در آن، با استفاده از آموزه‌های دینی، زمینه‌ای فراهم می‌شود تا متربی در مسیر رشد و شکوفایی استعدادهای فطری و دینی خود حرکت کند. از سوی دیگر، صادق‌زاده قمصری تربیت دینی را هرگونه فعالیت هدفمندی می‌داند که در نظام آموزشی کشور با هدف تقویت شناخت و باور دینی، گرایش به ارزش‌ها و هنجارهای دینی، و التزام عملی به احکام و دستورات دینی طراحی می‌شود.

در «سند معرفی گرایش تربیت دینی» مربوط به مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) (۱۳۸۶)، تصریح شده است که این ترکیب می‌تواند بر دو معنا دلالت کند:

۱. تربیتی که منسوب به دین است؛ یعنی تربیتی که محتوای خود را از دین می‌گیرد، در مقابل تربیت‌هایی که به منابع غیردینی مانند تجربه، عقل یا علوم انسانی متکی هستند.

۲. تربیتی که هدف آن پرورش بعد دینی انسان است. در این معنا، تربیت دینی مجموعه اعمال عمدی است که با هدف آموزش گزاره‌های اعتقادی، پرورش ایمان، و ایجاد التزام عملی به آموزه‌های دینی انجام می‌گیرد. در این تلقی، «بعد دینی» همچون سایر ابعاد انسان از جمله عقلانی، عاطفی، اجتماعی یا جنسی به‌عنوان ساحتی مستقل و قابل مطالعه علمی شناخته می‌شود. باقری (۱۳۸۹) نیز در تعریفی جامع‌تر، تربیت دینی را فرایند «فراهم‌سازی زمینه‌هایی» می‌داند که موجب شکل‌گیری عناصر اصلی تدین مانند اعتقاد صحیح، تجربه درونی، التزام قلبی و عمل دینی در بستر ارتباط مربی و متربی و با تأمین مؤلفه‌های تربیتی می‌شود. از دید او، این فرایند باید از مؤلفه‌هایی چون عقلانیت در اعتقادات، اخلاق و عبادات، تقوای حضور، ارزیابی، و گزینش و طرد آگاهانه برخوردار باشد. (داوودی،

ترافیک، مدیریت زنجیره تأمین و افزایش ایمنی سیستم حمل‌ونقل مورد استفاده قرار می‌گیرد. (احمدی و عباس پور ایکدر: ۱۴۰۴)
۲-۳ تربیت:

مفهوم تربیت از ماده «ربو» یا «ربب» در لغت به معنای افزودن و رشد نمو کردن آمده است. و در اصطلاح تربیت عبارت است از هرگونه فعالیتی که معلمان، والدین یا هر شخص به منظور اثر گذاری بر شناخت، نگرش، اخلاق و رفتار فردی دیگر بر اساس اهداف از پیش معین انجام می‌دهد. البته این واژه بیشتر در خصوص کودکان به کار می‌رود که پرورش و هدایت است اخلاق و رفتار فرزندان را تا به مرحله بلوغ در بر می‌گیرد، در زبان فارسی واژه تربیت به معنای پرورتن، ادب و اخلاق را به کسی آموختن و پرورتن کودک تا هنگام بالغ شدن به کار رفته است واژه ترکیبی آن «تعلیم و تربیت نیز به معنای آموزش و پرورش آمده است. (اعرافی، ۱۳۹۵)

۳-۳ تربیت دینی

واژه «تربیت دینی» از دهه هفتاد شمسی به‌عنوان یک حوزه‌ی مستقل در تربیت اسلامی وارد ادبیات علمی کشور شد. با توجه به نوپدید بودن این اصطلاح، همان‌گونه که داوودی (۱۳۸۸) اشاره می‌کند، هنوز میان اندیشمندان درباره معنا و قلمرو آن توافق نظری وجود ندارد. اعرافی (۱۳۹۳) نیز تأکید دارد که اختلاف‌نظرهای قابل توجهی در تعریف و حدود تربیت دینی مشاهده می‌شود. یکی از دلایل این ناهمسانی، تفاوت در درک معنای «تربیت»، «دین» و همچنین نوع تلقی از ترکیب «تربیت دینی» است.

در یکی از تعاریف رایج، تربیت دینی به‌عنوان مجموعه‌ای از اعمال عمدی و هدفمند در نظر گرفته شده است که با هدف آموزش گزاره‌های معتبر یک دین به دیگران انجام می‌گیرد، به‌گونه‌ای که متربی در عمل به آن



(۱۳۸۸).

همچنین با توجه به مراحل که از کلام امام علی(ع) برای تربیت دینی استنباط شده است یعنی مرحله اخذ، انتقال و مراقبت می توان میان «تربیت دینی» و «تعلیم دینی» تفاوت گذاشت؛ زیرا تعلیم دینی به تنهایی تضمین کننده تربیت دینی نیست. «ملکه شدن» آموزه ها در رفتار و شخصیت متربی نیازمند مرحله مراقبت است که خود بخشی اساسی از اقدامات تربیتی و در نتیجه، جزئی جدایی ناپذیر از تربیت دینی محسوب می شود.

۴- فقه فناوری

فقه فناوری یکی از شاخه های نوپای فقه اسلامی است که به بررسی احکام و مسائل شرعی مرتبط با فناوری های جدید، مانند فناوری اطلاعات، هوش مصنوعی، رباتیک و زیست فناوری می پردازد. این حوزه با بهره گیری از منابع معتبر فقهی - همچون قرآن، سنت، اجماع و عقل - تلاش می کند چالش ها و پرسش های اخلاقی، حقوقی و اجتماعی ناشی از فناوری های نوظهور را تحلیل و برای آنها راه حل ارائه کند. در بنیان نظری فقه فناوری، اصول کلیدی فقهی مانند قاعده لاضرر، قاعده اتلاف، قاعده تسبیب و اصل عدالت نقش مهمی دارند. این اصول به فقیه کمک می کنند تا بتواند موضوعات کاملاً جدید را با قواعد ریشه دار فقهی تطبیق دهد و احکام متناسب با شرایط روز استخراج نماید. فقه فناوری تنها به تبیین احکام شرعی بسنده نمی کند، بلکه در تنظیم روابط اخلاقی و حقوقی در فضای دیجیتال نیز نقش دارد؛ از جمله مباحثی مانند مالکیت معنوی، مسئولیت مدنی ناشی از خطاهای فناوری، حفظ حریم خصوصی، هویت مجازی و جرایم سایبری. نکته مهم آن است که فقه فناوری با رویکردی اجتهادی و پویا حرکت می کند؛ یعنی همگام با پیشرفت های علمی، مسائل را بازخوانی کرده و پاسخ هایی متناسب با نیازهای جامعه معاصر ارائه می دهد.

این حوزه همچنین در هدایت و هدف گذاری توسعه فناوری های اخلاقی و اسلامی نقش دارد و برای دستیابی به این هدف، بر همکاری میان فقها و متخصصان فناوری تأکید می کند. این تعامل میان رشته ای باعث می شود احکام فقهی دقیق تر، کاربردی تر و هماهنگ با واقعیت های جدید باشد. (احمدی و عباس پور ایکدر: ۱۴۰۴)

در نهایت، فقه فناوری را می توان پل میان دین و جهان تکنولوژی دانست؛ پلی که تلاش می کند ضمن حفظ ارزش ها و هویت دینی، مسیر استفاده صحیح، اخلاقی و مسئولانه از فناوری های نوین را برای جامعه روشن سازد.

۵- جایگاه ابزار در تربیت دینی

در نگاه تربیت دینی، ابزارها همیشه در نقش «یار و همراه» عمل می کنند، نه به عنوان جایگزین تربیت واقعی. ابزار زمانی ارزشمند است که به رشد فطرت، تقویت ایمان و فهم درست معارف دینی کمک کند. در فقه فناوری نیز همین رویکرد دیده می شود. پژوهش ها نشان می دهد که ابزارهای نوین حتی پیشرفته ترین شکل آن یعنی هوش مصنوعی خودشان صاحب نیت، اراده یا مسئولیت اخلاقی نیستند؛ بنابراین نمی توانند نقش تربیت کننده مستقل داشته باشند. در فقه، ابزارهای هوشمند همچنان در حکم «وسیله» محسوب می شوند؛ وسیله ای که درست یا نادرست بودنش به کاربر و نوع استفاده او وابسته است. به همین دلیل، در تربیت دینی، هوش مصنوعی می تواند در یادگیری، تمرین، تحلیل متون و ارائه پاسخ های مقدماتی کمک کند، اما جایگزین حضور و هدایت انسان نمی شود. (فرهادی و همکاران، ۱۴۰۴)

۱-۵ نقش محوری مربی انسانی

در تربیت دینی، مطابق مبانی فقه اسلامی، مربی انسانی ستون اصلی فرایند تربیتی است؛ زیرا تربیت دینی نه صرفاً انتقال اطلاعات، بلکه هدایت معنوی، پرورش فطرت توحیدی و همراهی مستمر متربی در مسیر کمال



«انسان محوری» و «مربی محوری» سامان یابد؛ به این معنا که فناوری در جایگاه یک تسهیل گر و تقویت کننده فرایند تربیت قرار می گیرد، نه جایگزین رابطه وجودی و الهام بخش میان مربی و متربی. در الگوهای نوین آموزش دینی نیز ابزارهای هوشمند زمانی مشروع، معتبر و کارآمد دانسته می شوند که تحت هدایت آگاهانه مربی، برای تعمیق یادگیری، افزایش مشارکت، و شخصی سازی مسیر رشد متربی به کار روند؛ نه آنکه استقلال تربیتی بیابند یا به تصمیم گیر اصلی در فرایند هدایت دینی تبدیل شوند. بر همین اساس، پیشنهاد می شود تعامل تربیتی با فناوریهای هوشمند در قالب یک تعامل سه ضلع مربی، متربی و ابزار هوشمند – طراحی گردد. در این الگو، مربی نقش ناظر محتوایی، جهت دهنده تربیتی و تنظیم گر سطح بهره گیری از فناوری را برعهده دارد؛ درحالی که ابزار هوشمند تنها باید تأمین کننده داده ها، تمرین ها و بازخوردهای کمی باشد. اما تبیین مفهومی، هدایت ارزشی، تفسیر معنوی و تشخیص موقعیت های اخلاقی همچنان در حوزه مسئولیت مربی باقی می ماند. (مهران و همکاران، ۱۴۰۴)

از منظر دینی و فقهی، سپردن هدایت ارزشی، داوری اخلاقی یا مرجعیت معنوی به الگوریتم ها آن هم بدون نظارت انسانی – می تواند پیامدهایی چون عرفی سازی مفاهیم دینی، تقلیل ایمان به داده و اطلاعات، و تقویت نگاه ابزاری به دین را در پی داشته باشد. از همین رو، پژوهش های مربوط به کاربست هوش مصنوعی در آموزش ارزش های دینی تأکید می کنند که طراحی، تولید و ارزیابی محتوای دینی مبتنی بر هوش مصنوعی، باید زیر نظر متخصصان دینی و تربیتی صورت گیرد و سازوکارهایی برای پالایش خطاها، رفع سوگیری ها و کنترل تعارض احتمالی خروجی سیستم با مبانی شریعت پیش بینی شود. با چنین رویکردی، نوع تعامل تربیتی با فناوری از «اتکای صرف به ابزار» به «استفاده هدایت شده، اخلاق محور و مسئولانه از فناوری» ارتقا می یابد؛ رویکردی که ضمن بهره گیری از ظرفیت های

الهی است. در این رویکرد، مربی تنها «معلم» نیست، بلکه هادی، الگو، راهنما و واسطه انتقال نور معرفت دینی محسوب می شود. نقش او بر پایه رابطه ای دوسویه، عاطفی و حکیمانه شکل می گیرد؛ رابطه ای که در آن مربی با شناخت دقیق از ویژگی ها، نیازها و ظرفیت های روحی و شناختی متربی، زمینه شکوفایی استعداد های الهی او را فراهم می سازد. فقهای اسلامی بر این نکته تأکید دارند که تربیت دینی بدون حضور فعال و آگاهانه مربی انسانی، در معرض لغزش های اعتقادی، سطحی سازی معارف، یا حتی انحراف اخلاقی قرار می گیرد؛ زیرا فناوری و ابزار هرچند پیشرفته فاقد قدرت تشخیص موقعیت تربیتی، همدلی، حکمت، الگو بودن و تربیت قلبی است. از این رو، در فقه تربیتی، برخورداری مربی از صلاحیت های علمی، اخلاقی، معنوی و حرفه ای شرط اساسی مشروعیت و کارآمدی فرایند تربیت شمرده شده است.

علاوه بر این، مربی انسانی نقشی دارد که حتی پیچیده ترین سیستم های هوش مصنوعی نمی توانند جایگزین آن شوند؛ از جمله:

پرورش ایمان و معنویت از راه الگو بودن و زیست اخلاقی

تصحیح انحرافات اعتقادی با تشخیص دقیق موقعیت های روانی و قلبی

ایجاد پیوند عاطفی و اعتماد تربیتی

به کارگیری حکمت در تشخیص نیاز متربی و تنظیم روش تربیت

هدایت تدریجی و متناسب با ظرفیت های فردی

به همین دلیل، در نگاه فقهی، نقش ابزارهای فناورانه تنها زمانی معتبر است که در خدمت مربی قرار گیرند و به عنوان یار کمکی او عمل کنند؛ نه اینکه جایگزین نقش منحصربه فرد وی در تربیت دینی شوند. (شهریاری، نجفی ۱۳۹۸)

۵-۲ نوع تعامل تربیتی با ابزارهای هوشمند

در فقه تربیتی، نوع تعامل با ابزارهای هوشمند باید بر مبنای



قرار می‌گیرد؛ زیرا الگوریتم‌ها فاقد نیت الهی، تکلیف شرعی، قصد قربت و مسئولیت اخروی هستند و سوگیری‌های پنهان در داده‌های آموزشی آنان، می‌تواند محتوای دینی را از معارف ناب اسلامی دور کرده و به عرفیات نسبی‌گرا و گاه مغایر با اصول اعتقادی تقلیل دهد. فقهای معاصر تأکید دارند که در مواجهه با فناوری‌های نوپدید، باید احکام وضعی و تکلیفی جدید به‌صورت اجتهادی بازشناسی و تبیین شود تا حدود و ثغور بهره‌گیری از هوش مصنوعی در فرآیند تربیت از تولید محتوا و بیان احکام تا ارزیابی اخلاقی و هدایت معنوی به‌صورت دقیق مشخص گردد. در غیر این صورت، این ابزار می‌تواند تربیت دینی را از مسیر هدایت الهی خارج ساخته و آن را به بستری برای نشر شبهات، انحرافات اعتقادی و تضعیف ایمان معرفتی بدل کند. (عزیز زاده و همکاران، ۱۴۰۴)

۱-۶ چالش‌های اخلاقی-تربیتی

چالش‌های اخلاقی هوش مصنوعی در تربیت دینی، فراتر از مشکلات فنی است و به مسائلی همچون نقض حریم خصوصی متربیان، عدم شفافیت ساختاری «جعبه سیاه» الگوریتم‌ها، سوگیری‌های فرهنگی - ارزشی و ضعف پاسخ‌گویی اخلاقی بازمی‌گردد. این عوامل می‌توانند قضاوت‌های تربیتی و اخلاقی را به‌صورت ناعادلانه، غیرفطری و فاقد همدلی انسانی بازتولید کنند. از سوی دیگر، فناوری‌های هوشمند با ایجاد نابرابری‌های پنهان آموزشی، عدالت تربیتی که یکی از ارکان مقاصد شریعت و بنیاد نظام اخلاق اسلامی است را دچار آسیب می‌سازند و زمینه‌ای برای گسترش فردگرایی اخلاقی به جای اخلاق جمعی و امت‌گرایانه اسلام فراهم می‌کنند. از این‌رو، مشروعیت فقهی بهره‌گیری از هوش مصنوعی در تربیت، وابسته به پالایش ساختاری، نظارت انسانی مستمر، شفافیت الگوریتمی و انطباق کامل با قواعد اخلاق اسلامی است. (همکاران، ۱۴۰۴)

هوش مصنوعی، اصالت رابطه تربیتی و اصالت ارزش‌های دینی را نیز حفظ می‌کند. (سلیمانی کیا و همکاران، ۱۴۰۰)

۳-۵ نقش ابزار در انتقال مفاهیم دینی

در تربیت اسلامی، ابزارهای هوشمند جایگزین رابطه زنده، اخلاقی و هدایت‌گر مربی با متربی نیستند؛ بلکه تنها یار و تسهیل‌گر یادگیری‌اند. ابزار زمانی ارزش تربیتی می‌یابد که در خدمت فهم عمیق‌تر، تدبیر، و تقویت هویت دینی قرار گیرد و محتوا نیز زیر نظر متخصصان دینی و تربیتی طراحی شود. فناوری‌های هوش مصنوعی می‌توانند با چندرسانه‌ای کردن آیات، ایجاد موقعیت‌های اخلاقی تعاملی، و ارائه بازخورد متناسب با سطح فهم متربی، یادگیری دینی را ملموس‌تر و انگیزه‌بخش‌تر سازند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد اگر این ابزارها در چارچوب تربیت اسلامی به کار گرفته شوند، سطح مشارکت، درگیری ذهنی و تثبیت مفاهیم نزد متربی افزایش پیدا می‌کند؛ زیرا او دین را نه صرفاً «اطلاعات»، بلکه تجربه‌ای شخصی و معنادار احساس می‌کند. (هاشمی زاده و همکاران، ۱۴۰۴) با این حال، استفاده بی‌ضابطه از ابزارهای هوشمند می‌تواند به سطحی‌سازی معارف، انتقال فرهنگ‌های ناسازگار و تحریف تدریجی مفاهیم دینی منجر شود. به همین دلیل، جایگاه ابزار باید «واسطه تربیتی مدیریت‌شده» باشد؛ بتواند در انتشار و تمرین محتوا، اما وابسته به نظارت مربی و چارچوب‌های فقهی و تربیتی. در چنین چارچوبی، ابزار هوشمند نه رقیب تربیت دینی، بلکه همراهی برای عمیق‌تر و اثرگذارتر کردن تجربه زیست دینی خواهد بود.

۶- چالش‌های فقهی هوش مصنوعی در تربیت دینی

ورود هوش مصنوعی به عرصه تربیت دینی، چالش‌های فقهی بنیادینی را پدیدار می‌سازد که مستقیماً با مقاصد شریعت در حفظ کرامت انسانی، صیانت از اصالت وحیانی معارف، و جلوگیری از تحریف اعتقادی در تعارض



۶-۲ جایگزینی تدریجی مربی

۶-۴ کاهش مهارت‌های تفکر نقاد و تعمیق باور

وابستگی ساختاری متریان به هوش مصنوعی، به تدریج مهارت‌های بنیادی همچون تفکر انتقادی، استدلال عقلی، تدبر در آیات، و تعمیق باورهای دینی را کم‌رنگ می‌کند؛ زیرا متربی در مواجهه با پرسش‌های دینی و اخلاقی، به جای تأمل ژرف، مطالعه تدریجی و جدال احسن، به پاسخ‌های فوری و پیش‌ساخته الگوریتمی تکیه می‌کند. این فرآیند، ایمان را از یک باور قلبی - معرفتی مستحکم به سطح یک دانش اطلاعاتی، غیرپایدار و کم‌عمق تبدیل می‌نماید. پژوهش‌های علم تربیت تأکید دارند که این نوع از یادگیری، اغلب سطحی، مکانیکی و فاقد پایداری معنوی است و اصل «تدبر فی الآیات» را که ستون تربیت دینی و یکی از قواعد مهم فقه تربیتی است، به حاشیه می‌راند. (داوری شان‌دیز و همکاران، ۱۴۰۳)

۷- چالش‌های فقهی-حقوقی

ورود هوش مصنوعی به عرصه تربیت دینی، نه تنها فرصت‌های نوینی برای یادگیری فراهم کرده، بلکه پرسش‌های پیچیده‌ای درباره حدود مسئولیت، احترام به حریم خصوصی و مالکیت محتوای تولیدشده ایجاد کرده است. این فناوری، هرچند توانمند در پردازش و تولید محتواست، فاقد شعور و اختیار انسانی است و پیامدهای تربیتی آن بر دوش کسانی است که طراحی، نظارت و بهره‌برداری از آن را برعهده دارند. پرداختن به این چالش‌ها، گامی ضروری برای استفاده اخلاقی و مسئولانه از فناوری در مسیر رشد معنوی و حفظ اصالت تربیت دینی به شمار می‌آید.

۷-۱ مسئولیت شرعی و حقوقی

در منظومه فقه اسلامی، شرط اساسی برای تعلق تکلیف و مسئولیت، برخورداری از اراده، قصد و شعور اخلاقی است؛ امری که سامانه‌های هوش

جایگزینی تدریجی مربی انسانی با هوش مصنوعی، نقدی بنیادی بر جوهره تربیت اسلامی وارد می‌کند؛ زیرا هیچ الگوریتمی قادر نیست حکمت عملی، اسوه‌بودن وجودی، تشخیص ظرایف قلبی - روانی، هدایت فطری و تربیت حضوری را که ماهیت نقش مربی است، بازتولید کند. این فرآیند، رابطه اصیل انسانی میان مربی و متربی را به یک تعامل مکانیکی، فاقد روح و عاری از محبت تربیتی تقلیل می‌دهد.

مطالعات کیفی در حوزه فقه تربیتی نشان می‌دهد که چنین جایگزینی، نه تنها اقتدار تربیتی انسان مکلف را تضعیف می‌کند، بلکه موجب سطحی‌سازی معنوی، کاهش عمق ایمان، و اختلال در شکل‌گیری هویت دینی نسل‌های آینده می‌شود. بر اساس اصول مسلم فقه شیعه، نقش هدایت‌گرانه انسان مکلف در تربیت، غیرقابل‌واگذاری است و تفویض اقتدار هدایت به ماشین، از نظر شرعی با اشکال جدی مواجه است. (محمد زاده و همکاران، ۱۴۰۴)

۶-۳ فردی شدن تربیت و تضعیف امت سازی

فردی‌سازی افراطی تربیت از طریق الگوریتم‌های هوش مصنوعی، هرچند در سطح فردی کارآمد جلوه می‌کند، اما بُعد اجتماعی - امتی تربیت اسلامی را به شدت تضعیف می‌نماید. این الگوریتم‌ها با برجسته کردن تجربه‌های فردمحور، تعاملات جمعی، همدلی اجتماعی، حس تعلق به امت واحد و پرورش وحدت مؤمنانه را به حاشیه می‌رانند و تربیت را از بستر جامعه صالح به انزوای دیجیتال و تجربه‌های فردی گسسته منتقل می‌سازند. مطالعات تربیتی نشان می‌دهد که الگوریتم‌های شخصی‌ساز، به تدریج پیوندهای اجتماعی - ایمانی را فرسوده کرده و نوعی فردگرایی معرفتی و اخلاقی را بازتولید می‌کنند که از نظر مبانی اسلامی، با اهداف نهایی تربیت دینی در ایجاد جامعه توحیدی، همبستگی مؤمنانه و حرکت



ایمانی کودکان و نوجوانان منجر گردد، علاوه بر مسئولیت مدنی، مفهوم فقهی «إضلال» و افساد معنوی مطرح می‌شود؛ مفهومی که از منظر فقه امامیه، نه تنها ضمان اخلاقی، بلکه در مواردی حرمت تکلیفی را برای عاملان انسانی در پی دارد. (یوسفی، ۱۴۰۴) بر این اساس، طراحی و استقرار نظام نظارت فقهی بر الگوریتم‌ها، تعیین ناظر متخصص آشنا با معارف اسلامی و فناوری، و پیش‌بینی سازوکارهای پاسخ‌گویی شفاف در قراردادهای و مقررات آموزشی، نه یک اقدام تزئینی، بلکه ضرورتی بنیادین برای مدیریت ریسک‌های تربیت دینی هوشمند و تعیین دقیق حدود مسئولیت تلقی می‌شود.

۲-۷ نقض حریم خصوصی

گسترش استفاده از داده‌های شخصی برای آموزش الگوریتم‌های هوش مصنوعی، چالش‌های جدی در حفظ حریم خصوصی و حقوق فردی ایجاد کرده است. این سامانه‌ها اغلب حجم وسیعی از اطلاعات حساس کاربران—از الگوهای رفتاری و گرایش‌های اخلاقی تا اطلاعات اعتقادی و شخصی—را جمع‌آوری و تحلیل می‌کنند. در بسیاری از موارد، کاربران از نحوه جمع‌آوری و استفاده از داده‌های خود بی‌اطلاع هستند و شفافیت کافی در این فرآیند وجود ندارد. چنین شرایطی، زمینه را برای سوءاستفاده، نقض حریم خصوصی و تهدید امنیت اطلاعات فراهم می‌آورد. الگوریتم‌های هوش مصنوعی، به‌ویژه آن‌هایی که بر پایه داده‌های نادرست یا تبعیض‌آمیز آموزش دیده‌اند، ممکن است تصمیم‌گیری‌های ناعادلانه انجام دهند و حقوق بشر و عدالت اجتماعی را نقض کنند. علاوه بر این، ابهام در تعیین مسئولیت حقوقی توسعه‌دهندگان، کاربران یا نهادهای عرضه‌کننده در صورت وقوع خطاهای الگوریتمی، یکی دیگر از مهم‌ترین چالش‌های حقوقی است. (ظفریان و همکاران، ۱۴۰۳)

در اسلام نیز حفظ اسرار و حریم فردی از اصول اساسی است و قرآن بر

مصنوعی، علی‌رغم پیچیدگی محاسباتی و توان یادگیری، از آن بی‌بهره‌اند. از این‌رو، هوش مصنوعی در فقه امامیه واجد شخصیت تکلیفی یا حقوقی مستقل تلقی نمی‌شود و ماهیت آن همچنان در حکم «ابزار پیشرفته» باقی می‌ماند. بر پایه این تلقی، تمامی پیامدهای شرعی و حقوقی ناشی از کاربرد این ابزار در حوزه تربیت دینی، متوجه انسان‌هایی است که در فرآیند طراحی، آموزش الگوریتم، نظارت، مالکیت یا بهره‌برداری از آن نقش ایفا می‌کنند. در فقه، این انتساب مسئولیت بر قواعد مستقری همچون تسبیب (ایجاد زمینه تحقق فعل زیان‌بار)، اتلاف (ورود خسارت مستقیم یا غیرمستقیم) و قاعده لاضرر استوار است. چنانچه کارکرد یک سامانه هوش مصنوعی، ولو بدون قصد سوء مستقیم، به انحراف فکری، تضعیف باورهای دینی یا آسیب تربیتی متربیان بینجامد، طراح یا متولی آن از منظر فقهی مسئول شناخته می‌شود؛ زیرا اقدام او عرفاً سبب تحقق ضرر معنوی تلقی می‌گردد. (خلیلی، ۱۴۰۳)

در نظام حقوقی ایران نیز، با توجه به فقدان شناسایی شخصیت حقوقی مستقل برای هوش مصنوعی، امکان انتساب مسئولیت مدنی به خود سامانه وجود ندارد. در نتیجه، مطابق ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی و اصول عرفی سببیت، هرگاه فعل یا ترک فعل اشخاص حقیقی یا حقوقی مرتبط با سامانه، از معیار متعارف احتیاط و مراقبت فاصله گیرد و موجب ورود زیان شود، مسئولیت متوجه آنان خواهد بود. در بستر تربیت دینی، این اشخاص می‌توانند شامل توسعه‌دهندگان نرم‌افزار، نهاد آموزشی (مدرسه، مؤسسه دینی، حوزه یا دانشگاه)، یا بهره‌برداران مستقیم سامانه باشند. اهمیت این موضوع زمانی دوچندان می‌شود که هوش مصنوعی در قالب‌هایی چون معلم مجازی، چت‌بات پاسخ‌گوی احکام شرعی یا پلتفرم توصیه‌گر اعتقادی به کار گرفته شود. در چنین مواردی، اگر خروجی سامانه به القای شبهه، ارائه پاسخ ناصواب فقهی، یا تضعیف بنیان‌های



الاسلام» استخراج شده است، به این معناست که در اسلام، وارد کردن ضرر به دیگران و حتی ضرر رساندن به خود ممنوع است. این اصل کلی، مبنای بسیاری از احکام مربوط به مسئولیت مدنی در فقه اسلامی است و بر این اساس هرگاه کسی به دیگری ضرر وارد کند، ملزم به جبران آن است. قاعده لاضرر تمام صور و اشکال ضرر رساندن به دیگران را شامل می‌شود و به عنوان یک معیار جامع، هر نوع آسیبی که به‌طور غیرقانونی به دیگری وارد شود را مستوجب مسئولیت مدنی می‌داند. در عرصه هوش مصنوعی و تربیت دینی، این قاعده نقشی محوری دارد؛ زیرا سامانه‌های هوشمند می‌توانند با جمع‌آوری و پردازش داده‌ها، تولید محتوا یا تصمیم‌گیری‌های خودکار، به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم بر نگرش‌ها، باورها و رفتارهای دینی متریبان اثر بگذارند. بر این اساس، طراحان و متولیان آموزشی موظف‌اند پیش از استفاده از فناوری، پیامدهای آن را بر ابعاد مادی، معنوی و اعتقادی متریبان ارزیابی کنند و از وقوع هرگونه «ضرر شرعی» همچون اضلال فکری یا افساد ایمان پیشگیری نمایند. احمدی و عباس پور ایکدر، ۱۴۰۴) به طور خاص، قاعده لاضرر اقتضا می‌کند که سامانه‌های هوش مصنوعی از تولید محتوای نادرست، تقویت شبهات اعتقادی، نقض حریم خصوصی و تضعیف نقش مربی انسانی جلوگیری کنند. همچنین، ارزیابی پیشینی ریسک‌های تربیتی و پیش‌بینی سازوکارهای نظارت انسانی مستمر، شرط اساسی تحقق این اصل فقهی است و مسیر بهره‌گیری مسئولانه از هوش مصنوعی را در چارچوب اهداف تربیت دینی هموار می‌سازد.

۸-۲ قاعده مصلحت

قاعده مصلحت، یکی از اصول بنیادین اجتهاد پویا، امکان استفاده از فناوری‌های نوین مثل هوش مصنوعی در تربیت دینی را مشروط به غلبه منافع واقعی بر آسیب‌های احتمالی می‌داند. در این چارچوب، ابزارهایی

آن تأکید می‌کند: «وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا» (حجرات: ۱۲). این آیه نشان می‌دهد که هرگونه ورود غیرمجاز به حریم فردی و انتشار اطلاعات شخصی دیگران، ممنوع و از مصادیق نقض حقوق انسانی است. بنابراین، برای استفاده مسئولانه از هوش مصنوعی، نیاز به چارچوب‌های قانونی و اخلاقی شفاف، تضمین عدالت در تصمیم‌گیری‌های الگوریتمی، حفاظت از داده‌های شخصی و نظارت انسانی دقیق وجود دارد تا فناوری نه تنها نوآورانه باشد، بلکه با اصول حقوقی، اخلاقی و فقهی نیز هم‌راستا باشد

۸- راهکارهای فقهی در استفاده از هوش مصنوعی برای تربیت دینی
راهکارهای فقهی در مواجهه با هوش مصنوعی در عرصه تربیت دینی، ناظر بر آن است که این فناوری نوظهور نه صرفاً به‌عنوان یک ابزار تکنیکی، بلکه در چارچوب موازین شرعی و اهداف تربیت اسلامی به کار گرفته شود. فقه اسلامی، با تکیه بر قواعد ریشه‌دار و کارآمد خود، این ظرفیت را دارد که استفاده از هوش مصنوعی را از وضعیتی چالش‌برانگیز به فرصتی مشروع، هدایت‌شده و اثربخش تبدیل کند؛ مشروط بر آن‌که این قواعد به‌صورت پویا، مسئله‌محور و متناسب با اقتضائات فناوری بر الگوریتم‌ها، داده‌ها و پیامدهای عملی آن تطبیق داده شوند. در این راستا، بهره‌گیری از قواعد فقهی به‌عنوان مبنای تنظیم شرعی کاربرد هوش مصنوعی، چارچوبی اصولی برای ایجاد تعادل میان نوآوری فناورانه و حفظ اصالت تربیت دینی فراهم می‌آورد. قواعدی همچون لاضرر، مصلحت و صحت، از جمله مهم‌ترین ابزارهای فقهی‌اند که می‌توانند معیار مشروعیت، حدود کاربست و شیوه نظارت بر سامانه‌های هوشمند تربیتی را تبیین کنند و مانع از تبدیل این فناوری به عاملی آسیب‌زا در حوزه ایمان و تربیت شوند.

۸-۱ قاعده لاضرر

قاعده «لا ضرر و لا ضرار» که از حدیث نبوی «لا ضرر و لا ضرار فی



فناوری انجام می‌شوند، تا وقتی با اراده و رضایت انسان همراه باشند و اصول فقهی رعایت شوند، از نظر شرعی صحیح و معتبر هستند.

تأکید بر قاعده صحت در این زمینه دو نکته مهم دارد:

۱. اعتبار شرعی اقدامات تربیتی هوشمند: وقتی دخالت و نظارت انسانی وجود داشته باشد، همه فعالیت‌های آموزشی مبتنی بر هوش مصنوعی صحیح تلقی می‌شوند.

۲. اعتماد مربیان و متریبان: روشن شدن اینکه هوش مصنوعی فقط نقش ابزاری و مشورتی دارد، باعث می‌شود مربیان و متریبان با آرامش بیشتری از این فناوری استفاده کنند و اطمینان داشته باشند که اصول اخلاقی و شرعی رعایت می‌شود. (غیبی، ۱۴۰۰)

به این ترتیب، قاعده صحت، ستون اصلی اعتبار و مشروعیت فعالیت‌های هوش مصنوعی در تربیت دینی است و تضمین می‌کند که فناوری تنها ابزار خدمت‌رسان به انسان باقی بماند و تصمیم‌گیری نهایی همیشه در دست انسان باشد.

۹- راهکارهای اخلاقی-تربیتی

راهکارهای اخلاقی-تربیتی در استفاده از هوش مصنوعی برای تربیت دینی، زمانی می‌توانند کارآمد و قابل دفاع تلقی شوند که به صورت هم‌زمان سه ملاحظه اساسی را مدنظر قرار دهند: حفظ محوریت مربی انسانی، صیانت از کرامت و آگاهی‌مندی، و طراحی سازوکارهای نظارت تخصصی. ادبیات پژوهشی معاصر در حوزه تعلیم و تربیت اسلامی و اخلاق هوش مصنوعی نشان می‌دهد که تحقق بهره‌گیری مسئولانه از این فناوری در ساحت دین‌آموزی، مستلزم توجه جدی به سه محور «تعریف هوش مصنوعی به‌عنوان دستیار مربی»، «شفاف‌سازی فرایندها و کارکردها» و

که دسترسی به منابع معتبر دینی را آسان می‌کنند، آموزش را با نیازهای فردی متریبان هماهنگ می‌سازند، تعامل آموزشی را عمیق‌تر می‌کنند و فرآیند یادگیری اخلاقی را تقویت می‌کنند، می‌توانند به‌عنوان مصالح مشروعیت‌بخش مورد توجه قرار گیرند. با این حال، سنجش مصلحت در تربیت دینی، تنها به کارآمدی فناوری محدود نمی‌شود؛ بلکه باید تأثیرات بلندمدت تربیتی، هویتی و ایمانی متریبان نیز در نظر گرفته شود. از این رو، به‌کارگیری ابزارهایی مانند چت‌بات‌های دینی یا پلتفرم‌های هوشمند آموزشی، تنها زمانی مشروعیت پیدا می‌کند که مصلحت آن‌ها قطعی، کلی و همسو با اهداف شریعت، به‌ویژه حفظ دین، عقل و هویت ایمانی، احراز شود. (صرافی، ۱۳۸۳) بر این اساس، نهادهای دینی و آموزشی موظف‌اند با بومی‌سازی فناوری، بازبینی مستمر محتوا و ارزیابی مداوم پیامدهای تربیتی، استفاده از هوش مصنوعی را به گونه‌ای هدایت کنند که واقعاً در خدمت مصالح و اهداف تعلیم و تربیت دینی باشد.

۳-۸ قاعده صحت

قاعده اصالة الصحة (قاعده صحت) یکی از اصول پایه‌ای فقه اسلامی است که می‌گوید: هر عمل، قرارداد یا رابطه تا زمانی که دلیلی قطعی بر نادرستی، حرمت یا فساد آن وجود نداشته باشد، صحیح و معتبر است. این اصل، مبنایی مطمئن برای استفاده از هوش مصنوعی در تربیت دینی فراهم می‌کند، مشروط بر اینکه نقش سامانه‌های هوشمند صرفاً ابزاری و مشورتی باشد و اراده، قصد و نظارت انسانی در تمام مراحل آموزشی، تولید محتوا و مدیریت تربیتی کاملاً مشخص باشد. به بیان دیگر، تا زمانی که هوش مصنوعی با موازین شرعی تضاد آشکار نداشته باشد، استفاده از آن در آموزش و تربیت دینی صحیح و قابل قبول است. طبق این قاعده، هوش مصنوعی هرگز شخصیت مستقل حقوقی ندارد و همواره در خدمت انسان قرار می‌گیرد؛ بنابراین، قراردادهای، توافقات و تعاملات آموزشی که با این



«تربیت مربی-ناظر متخصص» است.

۹-۱ تبیین نقش «دستیار مربی» برای هوش مصنوعی

پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه کاربرد هوش مصنوعی در تعلیم و تربیت اسلامی تأکید دارند که این فناوری نباید به‌عنوان جایگزین رابطه وجودی و تربیتی میان مربی و متربی تلقی شود، بلکه لازم است در جایگاه «دستیار آموزشی» تعریف گردد. در این تلقی، هوش مصنوعی ابزاری برای پشتیبانی از طراحی درس، تحلیل داده‌های یادگیری و ارائه تمرین‌های تعاملی است، در حالی که هدایت اعتقادی، داوری ارزشی و جهت‌دهی تربیتی همچنان بر عهده مربی انسانی باقی می‌ماند. برای نمونه، در یکی از طرح‌های پژوهشی مرتبط با «هوش مصنوعی و ابعاد تعلیم و تربیت اسلامی» نشان داده شده است که بهره‌گیری از سامانه‌های تطبیقی برای سنجش میزان فهم مفاهیم قرآنی، تنها زمانی به ارتقای معنادار درک دینی منجر می‌شود که مربی، نتایج به‌دست‌آمده را تحلیل کرده و بر اساس آن، گفت‌وگوی حضوری، اصلاح برداشتها و تعمیق مفاهیم را پیگیری کند؛ نه آن که نقش خود را به ناظری منفعل یا صرفاً فنی تقلیل دهد. (جهانتیغ، ۱۴۰۳) همچنین گزارش‌های علمی ناظر به تجربه مدارس دینی و اسلامی در استفاده از هوش مصنوعی در آموزش دینی نشان می‌دهد که تصریح جایگاه این سامانه‌ها به‌عنوان «دستیار معلم» در آیین‌نامه‌ها و برنامه‌های درسی، از شکل‌گیری تصور «معلم ماشینی» در ذهن دانش‌آموزان جلوگیری کرده و مانع تضعیف مرجعیت علمی و اخلاقی مربیان می‌شود. این شیوه صورت‌بندی، با مبانی تربیت اسلامی که بر اسوه بودن مربی در ایمان، عمل و اخلاق و بر پیوند عاطفی او با متربی تأکید دارد، سازگار است و از تقلیل دین به مجموعه‌ای از داده‌های قابل پردازش الگوریتمی پیشگیری می‌کند.

۹-۲ شفاف‌سازی

مطالعات حوزه اخلاق هوش مصنوعی در آموزش نشان می‌دهد که شفاف‌سازی، یکی از ارکان اساسی تحقق عدالت و اعتماد تربیتی است. شفاف‌سازی بدین معناست که دانش‌آموزان، والدین و حتی خود معلمان آگاه باشند کدام بخش از فرایند آموزش توسط سامانه‌های هوشمند انجام می‌شود، چه نوع داده‌هایی گردآوری و تحلیل می‌گردد و تصمیم‌های آموزشی تا چه اندازه متکی بر الگوریتم‌هاست.

در یکی از مقالات علمی مرتبط با ملاحظات فرهنگی به‌کارگیری هوش مصنوعی در آموزش و پرورش تصریح شده است که فقدان شفافیت در این زمینه‌ها می‌تواند به احساس «نظارت پنهان»، کاهش اعتماد به نظام آموزشی و بروز مقاومت فرهنگی در برابر فناوری منجر شود؛ مسئله‌ای که در جوامعی با حساسیت دینی و اخلاقی بالا، پیامدهای جدی‌تری خواهد داشت. (ذوالفقاری و همکاران، ۱۴۰۴)

در حوزه تربیت دینی، شفاف‌سازی صرفاً به بُعد فنی محدود نمی‌شود، بلکه ابعاد معرفتی و اعتقادی را نیز دربرمی‌گیرد. بدین معنا که سامانه هوشمند باید به‌روشنی به متربی اعلام کند پاسخ‌های تولیدشده، «فتوای شخصی» یا «نظر قطعی دین» نیست، بلکه صرفاً پیشنهادها یا دسته‌بندی‌هایی مبتنی بر داده‌هاست. یافته‌های پژوهشی درباره تربیت دینی در فضای مجازی نشان می‌دهد زمانی که این تفکیک به‌درستی برای نوجوانان تبیین می‌شود، احتمال خلط میان «داوری الگوریتمی» و «حکم فقهی» کاهش می‌یابد و انگیزه مراجعه به منابع اصیل و گفت‌وگوی مستقیم با مربی تقویت می‌شود. علاوه بر این، شفاف‌سازی در حوزه حریم خصوصی، مطابق با پیشنهادها پژوهشی مرتبط با مسئولیت اخلاقی هوش مصنوعی در آموزش، باید شامل توضیح روشن درباره شیوه‌های ناشناس‌سازی داده‌ها، محدودیت استفاده از اطلاعات اعتقادی و امکان دسترسی، اصلاح یا حذف داده‌ها توسط متربی و والدین باشد. (کاظمی، ۱۳۹۶)



۹-۳ تربیت نیروی انسانی متخصص (مربی-ناظر)

تمرکز بخش قابل توجهی از تحقیقات مرتبط با تربیت دینی در فضای مجازی بر این نکته است که میزان اثرگذاری فناوری، بیش از هر عامل دیگر، به کیفیت نیروی انسانی وابسته است؛ به‌ویژه به آنچه از آن با عنوان «سواد ترکیبی مربیان» یاد می‌شود، یعنی تلفیق سواد دینی، تربیتی و رسانه‌ای. در یک مطالعه تحلیلی درباره چالش‌های تربیت دینی نوجوانان در فضای مجازی و راهکارهای پیشنهادی، تأکید شده است که بدون حضور مربیانی که هم با منطق عملکرد الگوریتم‌ها و هم با روان‌شناسی رشد، مبانی کلامی و اصول فقهی آشنا باشند، حتی محتوای دینی صحیح نیز ممکن است به‌گونه‌ای نامتناسب عرضه شود و اثر معکوس بر مخاطب بگذارد. همچنین در مقالات مربوط به اخلاق هوش مصنوعی در آموزش و پرورش پیشنهاد شده است که نقش جدیدی تحت عنوان «مربی-ناظر هوش مصنوعی» تعریف شود؛ فردی که وظیفه او صرفاً استفاده از سامانه نیست، بلکه انتخاب منابع دینی معتبر برای تغذیه مدل، پایش مستمر خروجی‌ها، شناسایی موارد خطا یا تحریف و تنظیم سطح زبانی و فرهنگی محتوا متناسب با مخاطبان را بر عهده دارد. تجربه‌نگاری‌های منتشرشده در حوزه کاربرد هوش مصنوعی در تعلیم و تربیت اسلامی نیز نشان می‌دهد که حضور چنین مربی-ناظری در مدارس و مؤسسات دینی، به کاهش خطاهای محتوایی، افزایش اعتماد والدین و شکل‌گیری الگوی «استفاده نقادانه و هدایت‌شده» از هوش مصنوعی در میان دانش‌آموزان انجامیده است. از منظر سیاست‌گذاری آموزشی، این یافته‌ها ضرورت طراحی دوره‌های میان‌رشته‌ای مشترک میان حوزه‌های علمیه، دانشکده‌های علوم تربیتی و گروه‌های مهندسی کامپیوتر را برای تربیت نسل جدیدی از مربیان دینی آشکار می‌سازد.

(ذوالفقاری و همکاران، ۱۴۰۴)

۱۰- نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که کاربرد هوش مصنوعی در تربیت دینی، به دلیل ماهیت الگوریتمی و فقدان درک ارزشی، واجد پیامدهایی است که فراتر از کارکردهای آموزشی آن قرار می‌گیرد. بررسی مبانی فقهی و تربیتی مقاله روشن ساخت که استفاده بی‌ضابطه از این فناوری می‌تواند فرایند هدایت دینی را از مسیر تربیتی خود خارج کرده و به تضعیف نقش مربی انسانی، کاهش عمق تربیت ایمانی و آسیب به حقوق متربی بینجامد. از این منظر، مسئله اصلی پژوهش نه امکان فنی استفاده از هوش مصنوعی، بلکه حدود مشروعیت تربیتی آن است. مهم‌ترین چالش‌های فقهی هوش مصنوعی در تربیت دینی ناظر به امکان تحریف یا ساده‌سازی مفاهیم دینی، ابهام در مسئولیت شرعی ناشی از تصمیم‌های الگوریتمی و خطر نقض حریم خصوصی متربیان است. این چالش‌ها زمانی برجسته‌تر می‌شوند که هوش مصنوعی در جایگاه مرجع هدایت یا تصمیم‌گیر تربیتی قرار گیرد؛ جایگاهی که از منظر فقه اسلامی صرفاً به انسان مکلف و آگاه اختصاص دارد.

در عین پیوستگی این چالش‌ها، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که فقه اسلامی با برخورداری از قواعد عام و پویا، توانایی پاسخ‌گویی و تنظیم این وضعیت نوپدید را دارد. قواعدی مانند لاضرر، مصلحت و صحت، معیارهایی



دچار خدشه شود.

برای تشخیص کاربردهای مجاز هوش مصنوعی فراهم می‌کنند و امکان کنترل آثار زبان‌بار آن را در حوزه تربیت دینی نشان می‌دهند. بر اساس این تحلیل، استفاده از هوش مصنوعی تنها در صورتی قابل قبول است که در جایگاه ابزار کمکی باقی بماند و تحت مسئولیت و نظارت مستقیم مربی انسانی به کار گرفته شود.

John mc carthy - [۱]

Najafzadeh - [۲]

Rezaeipou - [۳]

Montazeri & Shakrian - [۴]

بر این اساس بهره‌گیری از هوش مصنوعی در تربیت دینی، نیازمند حفظ محوریت انسان مکلف، شفاف‌سازی مسئولیت شرعی و محدودسازی نقش تربیتی این فناوری است. تنها با رعایت این الزامات می‌توان از ظرفیت‌های هوش مصنوعی استفاده کرد، بی‌آنکه اصالت تربیت دینی و کرامت‌متربی



منابع

ذوالفقاری، اشرف و یوسفی نشلجی، افسانه و بیرانوند، محمد نقی و شمس، سمیه، «خلاق هوش مصنوعی در آموزش و پرورش» ملاحظات فرهنگی، حریم خصوصی و عدالت آموزشی، اولین همایش بین المللی هوش مصنوعی در آموزش و پرورش، روانشناسی، علوم تربیتی و مطالعات دینی، فرهنگی، اجتماعی و مدیریتی در هزاره سوم، بوشهر، (۱۳۸۸).

سلحشور، عباس، توکلی، احمد رضا، و حیدری، محمدعلی «چالش‌های فقهی بهره‌مندی از هوش مصنوعی در راستای حمایت از حقوق بنیادین افراد» دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی، (۱۴۰۲).

سلیمانی کیا، سمیه، ربیعی، الهه، آتش‌روز، حسین، و جباری، محمد. «هوش مصنوعی در آموزش و یادگیری» ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر ۳ (۱۴۰۰).

شهریاری، روح‌الله، نجفی، حسن. «صلاحیت‌های حرفه‌ای مربیان تربیت دینی» ارائه چارچوبی همسو با حکمت ۱۴۷ نهج البلاغه. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، شماره (۴۵) (۱۳۹۸).

صرافی، سیف‌الله «درآمدی بر جایگاه مصلحت در فقه» نشریه علمی وزارت علوم، (۱۳۸۳).

ظفریان، طیبه؛ اسلامی فارسانی، رحیم؛ صادقی دهصحرایی، مرتضی «حفظ حریم خصوصی در تکنولوژی‌های مبتنی بر هوش مصنوعی» فصلنامه علمی مطالعات حقوقی فضای مجازی، شماره اول، (۱۴۰۳).

عدل پور، مهران «نقش هوش مصنوعی در تربیت دینی نسل‌های آینده» فصلنامه تحقیقات راهبردی در تعلیم و آموزش و پرورش، شماره ۴۹، (۱۴۰۴).

عزیز زاده، رویا و سلیمانی، توران «بررسی نقش هوش مصنوعی در تعلیم و تربیت اسلامی یک مرور سیستماتیک» یازدهمین کنفرانس بین‌المللی علوم مدیریت، اقتصاد و حسابداری، تهران، (۱۴۰۴).

غیبی، اعظم «قاعده صحت» فصلنامه تخصصی فقه و معارف اسلامی سلمی، شماره اول، (۱۴۰۰).

فرهادی، محمدرسل و سروری، طیبه و میرزاخانی، سالار «هوش مصنوعی و تربیت دینی: چالش‌ها و فرصت‌های الگوریتمی در انتقال ارزش‌های معنوی در فضای آموزشی دیجیتال» اولین همایش بین‌المللی هوش مصنوعی در آموزش

احمدی، علی، عباس‌پور نازنین، «هوش مصنوعی و فقه اسلامی» مسیر مسئولیت مدنی در عصر فناوری. دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی، شماره ۵، (۱۴۰۲).

اعرافی، علی رضا «نقش نخبگان دینی در تربیت دینی» دو فصلنامه اسلام و پژوهش‌های تربیتی، شماره (۱) (۱۳۹۳).

اعرافی، علیرضا «فقه تربیتی: مبانی و پیش‌فرض‌ها»، قم: موسسه اشراق و عرفان، (۱۳۹۵).

باقری، خسرو «نگاهی دوباره به تربیت اسلامی» جلد اول و دوم، تهران: مدرسه تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، (۱۳۸۹).

جهان‌تغی، عصمت، «کاربرد هوش مصنوعی بر تعلیم و تربیت اسلامی» اولین کنفرانس بین‌المللی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت، بندرعباس، (۱۴۰۳).

حسینی، الهه‌سادات، واحداریجان، یونس، و یزدانی، سمانه. «چالش‌های هوش مصنوعی و مبانی مسئولیت مدنی آن در فقه» پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست (۱۴۰۳).

خلیلی، ساناز «مسئولیت مدنی هوش مصنوعی در نظام حقوقی ایران» سیزدهمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های دینی و اسلامی، حقوق، علوم تربیتی و روانشناسی، تهران، (۱۴۰۳).

داودی شان‌دیز، رویا؛ السادات ابطحی، معصومه؛ مقامی، حمیدرضا؛ عاشوری، مهدی «بررسی اثرات هوش مصنوعی بر ابعاد تعلیم و تربیت اسلامی ایرانی کودک و نوجوان» مدیریت فرهنگی، شماره ۲، (۱۴۰۳).

داوودی محمد «تربیت دینی» قم پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، (۱۳۸۶).

داوودی محمد «تأملی در معنای تربیت دینی و نسبت آن با مفاهیم نزدیک» مجموعه مقالات همایش (۱۳۸۸).



(۱۴۰۴)

یوسفی، علی، «مسئولیت کیفری ناشی از عملکرد سامانه های هوش مصنوعی در حقوق ایران و نظام های تطبیقی»، چهارمین کنفرانس بین المللی دانش و فناوری حقوق و علوم انسانی ایران، (۱۴۰۴)

Najafzadeh, S. (۲۰۲۴). The Use of Artificial Intelligence for Educational Management: Challenges and Opportunities Quarterly Journal of Management Research and Development, ۱(۴)

Shakeri, Z., Jafarpour, Y., Shakeri, M., & Ghomi, M. M. (۲۰۲۲) Feasibility of Applying Moral Rights of Authors Under Modern Information and Communication Technologies Exploring Some Legal Aspects of Chatbots: Examining Personality Rights, Civil Liability, and Intellectual Property Law of Modern Technologies, ۳(۶)

Rezaeipour, A. (۲۰۲۴). Jurisprudential Analysis of Rights Related to Artificial Intelligence Technology Within the Framework of Islamic Sharia. Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law, ۲(۴)

Montazeri, M., & Shakrian, A. (۲۰۲۴). Civil Liability for the Use of Artificial Intelligence in Pharmaceuticals. Medical Law Scientific Research Journal

و پرورش، روانشناسی، علوم تربیتی و مطالعات دینی، فرهنگی، اجتماعی و مدیریتی در هزاره سوم، بوشهر. (۱۴۰۴)

کاظمی، ابوالفضل؛ شاهمرادی، سیده فاطمه؛ نوروزی، مجتبی «راهکار های تربیت دینی در فضای مجازی با تأکید برآموزه های قرآن و سیره رضوی» فصلنامه فرهنگ رضوی، شماره ۱۹. (۱۳۹۶)

ماهرزاده، طیبه «جهانی شدن و هویت یابی دینی نوجوانان دو فصلنامه تربیت اسلامی (۱۳۹۲).

محمدزاده، بهشته و آبگون، هاجر و رضوی حایری، فرح السادات و ناصری نسب، زهرا و توسلی، هدی «تحلیل اثرات اخلاقی و تربیتی جایگزینی معلم با روبات» پیامدها، چالش ها و راهکارهای سیاست گذاری، (۱۳۹۲)

مراذزاده، فاطمه، فیروزی، نعمت الله، و گل مکانی، وجیهه. «کالبدشکافی رویکرد دینی در مواجهه با شبکه چالش های امنیتی هوش مصنوعی» معرفت و بصیرت اسلامی، دوره ۲، شماره ۴. (۱۴۰۳).

مصباح یزدی محمد تقی «خودشناسی برای خودسازی نما مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره). (۱۳۸۹)

مطهری کیا، نسرین؛ امیرشکاری، تهمینه؛ بحرآسمانی، نرگس؛ درینی، زینب؛ و محمدرضائی نژند، موحد. (۱۴۰۳). نقش هوش مصنوعی در تعلیم و تربیت. هشتمین همایش بین المللی مطالعات دینی، علوم انسانی و اخلاق زیستی در جهان اسلام.

مهران، غزاله و حاج، بحجت و رخشا، زهرا و کاشان، مهدی «کاربرد هوش مصنوعی در آموزش ارزش های دینی و فرهنگی، اولین همایش بین المللی افق های تازه در روانشناسی یادگیری و آموزش و پرورش از دید معلم، ارومیه، (۱۴۰۴) هاشمی زاده، سیدعیسی و آبخو، عباس و دشتی، مسعود و جعفری کلوکن، امین «تاثیر تکنولوژی های نوین در آموزش مفاهیم دینی به دانش آموزان.